

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

منبع: لینکه سایتونگ  
نویسنده: توماس روپر  
فرستنده: علی مشرف  
۰۷ جولای ۲۰۲۰

## استعمار ۲.۰



ذخیره طلای ونزوئلا در لندن بالغ بر ۱،۲ میلیارد دلار است. این کار، کار خطائی بود، زیرا پس از این که «گوآیدو»ی کودتاجی خود را رئیس جمهور موقت اعلام کرد طلای ذخیره شده ونزوئلا در لندن توقیف شد. اکنون یک دادگاه انگلیس در مورد سرنوشت این طلا تصمیم گرفته است.

یک دادگاه انگلیسی تصمیم گرفت که چه کسی مجاز است رئیس جمهور ونزوئلا شود و طلای ونزوئلا را غصب کرد. هنگامی که «گوآیدو» در جنوری سال ۲۰۱۹ خود را رئیس جمهور موقت نامید، بانک مرکزی بریتانیا که کشور ونزوئلا ۳۱ تن ذخیره طلای خود را در آنجا به امانت گذاشته بود، این ثروت را توقیف کرد.

ارزش این طلا بالغ بر ۱،۲ میلیارد دلار بود. از آن زمان نرخ طلا از ۱۲۰۰ دلار برای هر اونس به ۱۸۰۰ دلار افزایش یافته است و در نتیجه طلای توقیف شده ونزوئلا به وسیله دولت بریتانیا، امروز از ارزشی بالغ بر ۱،۸ میلیارد دلار برخوردار است.

### سگمزاجی غرب

رسانه های غربی با علاقه در مورد وضعیت نابسامان ونزوئلا گزارش می دهند، ولی پیگیرانه مسکوت می گذارند که اساساً این وضعیت به دنبال تحریم های غرب به وجود آمده است. ونزوئلا به دنبال تحریم های شدید از تجارت نفت، که احتمالاً مهم ترین منبع درآمد کشور است، محروم شده و بخش های دیگر اقتصاد کشور نیز پیگیرانه از سوی غرب زیر فشار تحریم قرار دارد.

غرب مزورانه با خلق دردمند ونزولاً برای درد و رنجی که خود به آن‌ها تحمیل کرده ابراز همدردی می‌کند. مثلاً اتحادیه اروپائی پس از کودتا ۵ میلیون دالر «کمک» به ونزولاً وعده داد ولی این پول به دست دولت ونزولاً و مردم آن نرسید، بلکه با آن کودتای «گوآیدو» مورد حمایت قرار گرفت و در این مورد طبیعتاً سخنی گفته نشد.

برای پس گرفتن طلای ذخیره، ونزولاً مجبور بود به دادگاهی در بریتانیا شکایت کند. طبیعتاً در مورد این روند «رسانه‌های پرکیفیت» عملاً سکوت کردند. در واقع بسیار سخت است که از یک طرف با مردم رنج‌دیده ونزولاً ابراز همدردی کرده و اشک تمساح ریخت و از طرف دیگر در این مورد که یک عضو «جامعه ارزشی غرب» که گویا خود را متعهد به قوانین حقوق بشر اعلام می‌کند ولی اکنون تقریباً ۲ میلیارد دالر طلائی را که به دولت ونزولاً تعلق دارد و مردم این کشور شدیداً به آن نیاز دارند تا اوضاع کشور رو به آرامش رود، توقیف کرده، گزارش‌های مثبتی منتشر کرد.

بانک مرکزی بریتانیا استدلال می‌کند که «مادورو» رئیس‌جمهور کشور نیست، بلکه رئیس‌جمهور قانونی ونزولاً «خوان گوآیدو» است و لذا طلای نامبرده نمی‌تواند در اختیار «مادورو» قرار داده شود.

این استدلال یک قدرت استعماری است، که کشوری به خود اجازه دهد برای کشوری دیگر رئیس‌جمهور انتخاب کند. با این حال می‌خواهیم وضعیت قانونی را بررسی کنیم تا ببینیم بنابر قوانین ونزولاً چه کسی رئیس‌جمهور این کشور است.

### قانون اساسی ونزولاً چه می‌گوید؟

من پس از کودتا در ونزولاً قانون اساسی این کشور را مطالعه کردم، زیرا در آن زمان رسانه‌های غربی گزارش می‌کردند که «گوآیدو» به بند ۲۳۳ قانون اساسی استناد می‌کند و از این رو رفتار «گوآیدو» کاملاً قانونی است. هرکس که چنین چیزی را می‌نویسد یا عمداً دروغ می‌گوید و یا اصلاً قانون اساسی ونزولاً را نخوانده است.

بند ۲۳۳ قانون اساسی واقعاً تعیین می‌کند که چگونه می‌توان رئیس‌جمهور را خلع کرد و چه کسی جانشین او خواهد شد. اول بپردازیم به علل خلع: ترتیبات تعیین جانشین وقتی به اجراء درمی‌آید که رئیس‌جمهور فوت کند، استعفاء دهد و یا مجلس قانون اساسی با حکم خود او را خلع نماید. علاوه براین، رئیس‌جمهور را می‌توان خلع کرد وقتی که یک کمیسیون پزشکی منتخب مجلس قانون اساسی او را به دلایل پزشکی ناتوان اعلام کند و این تصمیم از سوی مجلس تأیید شود.

هیچ‌یک از این موارد رخ نداده بود و بدین سان خودگماری «خوان گوآیدو» به ریاست جمهوری اقدامی مغایر با قانون اساسی کشور بود.

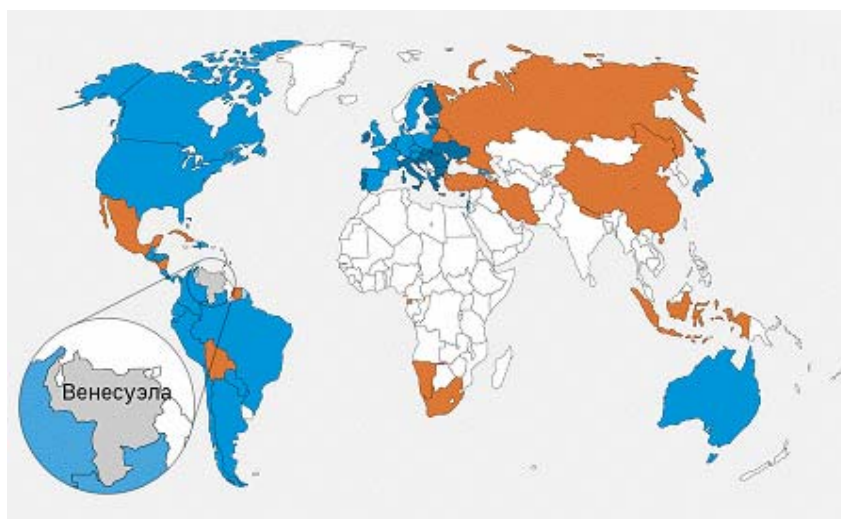
ولی بازی هنوز ادامه دارد. فرض کنیم رئیس‌جمهور «مادورو» مطابق با قانون از ریاست جمهوری خلع شده بود، در آن صورت چه کسی طبق قانون اساسی می‌توانست جانشین او باشد؟ در اینجا دو امکان موجود بود: اگر رئیس‌جمهور قبل از اجرای مراسم تحلیف مقام خود را از دست می‌داد باید ظرف ۳۰ روز انتخابات جدید صورت می‌گرفت و طی این مدت مسؤلیت ریاست جمهوری به عهده رئیس مجلس بود. «گوآیدو» به این بند اشاره می‌کند. ولی مشکل اینجاست که «گوآیدو» تازه پس از اجرای مراسم تحلیف مادورو، خود را رئیس‌جمهور نامید.

ولی قانون اساسی همین‌طور در چنین شرایطی مقرر می‌دارد که معاون رئیس‌جمهور تا انتخابات جدید در ظرف ۳۰ روز وظایف رئیس‌جمهور را عهده‌دار شود.

«سرویس علمی پارلمان المان» (Wissenschaftlicher Dienst des Bundestages) اعلام کرد که «دلایل قوی وجود دارد» که به رسمیت شناختن «خوان گوآیدو» به عنوان رئیس‌جمهور دخالت در امور داخلی کشوری به وسیله یک کشور دیگر بوده و مغایر با قوانین بین‌المللی است.

### به رسمیت شناختن «گوآیدو»

«رسانه‌های پر کیفیت» غربی همیشه به ما توضیح می‌دهند که بیش از ۵۰ کشور «گوآیدو» را به رسمیت شناخته‌اند. این‌طور القاء می‌شود که تعداد کشورها زیاد است و این خود دلیل مشروعیت «گوآیدو» است. اولاً این امر بی‌معنی و پوچ است (نگاه کنید به دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر) و ثانیاً این بیان، وظیفه دارد خواننده را گمراه کند، زیرا ۱۹۰ کشور در جهان وجود دارد. این که ۵۰ کشور «گوآیدو» را به رسمیت شناخته‌اند، به این معنی است که ۱۴۰ کشور از این کار سر باز زده‌اند و «مادورو» را به عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا به رسمیت می‌شناسند.



خبرگزاری تاس در تصویر بالا نسبت کشورها را نمایش داده است. فقط کشورهای آبی رنگ «گوآیدو» را به رسمیت شناخته‌اند، یا حداقل در این راستا اظهار نظر می‌کنند. کشورهای نارنجی به طور مشخص از «مادورو» حمایت می‌کنند و کشورهای سفید موضع رسمی اعلام نکرده‌اند ولی کماکان با دولت «مادورو» همکاری می‌کنند، گویی هیچ اتفاق جدیدی نیفتاده باشد.

لذا می‌بینیم که «گوآیدو» هم از نظر قانون اساسی ونزوئلا و هم از منظر حقوق بین‌الملل رئیس‌جمهور کشور ونزوئلا نیست.

تنها کشورهای غربی او را به رسمیت می‌شناسند ولی اگر جامعه بین‌المللی اجازه داشت به طریق دموکراتیک تصمیم بگیرد که چه کسی رئیس‌جمهور یک کشوری باشد، در رابطه با ونزوئلا غرب در اقلیت قرار می‌داشت.

### طلای ونزوئلا

دادگاه انگلیس که اکنون باید در مورد استرداد طلای ونزوئلا تصمیم می‌گرفت حکم خود را صادر کرد که «گوآیدو» با وجود همه این‌ها رئیس‌جمهور کشور است و استرداد طلای ونزوئلا به دولت «مادورو» اصلاً مطرح نیست.

این ادامه سیاست استعماری غرب است که اکنون در بسیاری از کشورها، «شمایل شکنان» علیه آن قیام کرده اند. تصور کنید، کشوری، مثلاً زیمبابوه، حکم دادگاهی صادر کند که چه کسی اجازه دارد صدراعظم المان شود. چه بی‌معنی و چه پوچ!

ولی اگر غرب با توان اقتصادی و نظامی خود دست به چنین کاری بزند آیا باید آن را پذیرفت؟ این «حق» نیست، بلکه «حق با قوی‌تر» نام دارد. و باز خبری از «رسانه‌های پرکیفیت منتقد» غربی نیست. باید منتظر بود که آیا آن‌ها اصولاً خبری در این مورد منتشر می‌کنند یا نه.

اگر بخواهیم آن‌را در یک جمله خلاصه کنیم: این برای غرب چیز جدیدی نیست.

۳ جولای ۲۰۲۰

**تارنگاشت عدالت**